



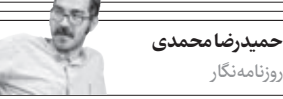
نگار / ظاهر بنایی / نگار

محیط فضل و آداب

درباره جلد دوم کتاب **گفتارهایی در تاریخ و فرهنگ**

نوشته سید فتح‌الله مجتباتی که در نودوهشتمین زادروزش رونمایی می‌شود

کارنامه



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

وجه اخلاقی دکتر مجتباتی موجب شده که وجه علمی ایشان زیباتر و دلنشین‌تر جلوه کند. صفت تواضع و فروتنی در میان خصال اخلاقی ایشان برجسته‌تر است.

مجدالدین کیوانی امروز (سه شنبه، هجدهم آذر) نودوهشتمین اقتاب زندگی‌اش طلوع می‌کند. زیستی پربزرگ‌ویار، و سرشار و سراسراز تحقیق و تدقیق و آکنده‌از مبین‌دوستی و ایران‌مداری، هیچ‌کم و کوچک نیست کسی در آستانه‌ام نهان به یکصدمین پله نزدیکان زندگی، و همچنان بخواند و بگوید، و بنویسد، و سیدفتح‌الله مجتباتی درست چنین است. دانشی‌مردی از نسل غول‌های فرهنگ ایران. از تیره و تبار برجسته‌ترین معارف‌این سرزمین که حالا شاید از میان‌شان جز معدودی باقی نمانده باشد و باید بر خود بیاییم که هم‌عصر و معاصر آنیم. او هنوز هم ذهنی پویا دارد و دریای دانش از قلمش بیرون می‌تراود و امروز

مسوداتِ سُرور

سیدفتح‌الله مجتباتی

مشاور عالی بخش ادیان و عرفان مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

پدرم میرسید احمد مجتباتی، فرزند میرسیدعلی مستوفی (سرور علیشاه)، در ۱۲۵۰ شمسی (۱۲۸۹ قمری) در تفرش به دنیا آمد، مقدمات

علوم مرسوم‌را در تفرش و آشتیان فرا گرفت. در نوجوانی به تهران آمد و چندگاهی در مدارس قدیمه‌تهران در ادامه تحصیل پرداخت و در همین احوال اشتیاق به تحصیل علوم جدید او را به دارالفنون کشید و با برادرش شادروان دکتر محمود مجتباتی (علیه‌زاده) در رشته طب و زبان فرانسه (که لازمه تحصیل طب بوده) مشغول تحصیل شد. پدرش میرسیدعلی و جدش میرسیدحبیب‌الله در اوایل عمر به کارهای دیوانی و مستوفی‌گری اشتغال داشتند، و میرسیدعلی در دوره ناصری از مستوفیان دربار بود، ولی در اواخر این دوره به زندگی خانقاهی روی آورد و به ارشاد مرحوم صامتعلی (متوفی در ۱۲۹۷ق) در سلک سالکان طریقت کرمانشاه و تهران و سلطان‌آباد (اراک) به دستگیری و تربیت نوزکان این طریقت مشغول بود، و سرانجام در ۱۳۱۴ شمسی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. وی شاعری خوش‌سخن بود و به زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت، وی در شاعری «سرور» تخلص داشت و در جمع خانقاهیان به «سرور علیشاه» معروف بود. شرح احوال و شماروی از اشعار او در گلستان جاوید (دفتر ۳، طبع تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۷-۲۳) و مجموعه اشعار میرسیدعلی مستوفی - سرورعلیشاه (طبع تهران، ۱۳۷۸) دیده می‌شود.

میرسیدعلی در خط نسخ و شکسته استاد بود، و سیزده جلد قرآن کریم به خط خود نوشت، که چند جلد آن نزد نوادگان او موجود است. وی با مشایخ طریقه نعمت‌اللهی، خصوصاً با مرحومان مونس علیشاه و وفاعلیشاه (ذوالریاستین) دوستی بسیار صمیمانه داشت، و مرثیهای در وفات وفاعلیشاه گفته است که در گلستان جاوید (دفتر سوم) نقل شده است. میرسیدعلی با اهل علم نیز روابط دوستانه داشت و غالباً با میرسیداحمد و علیقتی‌میرزا (رکن‌الدوله، برادرزاده ناصرالدین‌شاه) در مدرسه دارالشفا به دیدار میرزا ابوالحسن جلوه و شرکت در جلسات

درس و بحث او می‌رفتند.

فرزندان میرسیدعلی هیچ‌یک گرایش به سوی طریقت صوفیانه نداشتند، و جز آخرین فرزندش، مرحوم دکتر مستوفی (علیه‌زاده (مجتباتی) که طبیب بود پسران دیگرش در آغاز به خدمات حکومتی و مستوفی‌گری اشتغال داشتند و بعد از تشکیل نظام دولتی جدید در وزارت مالیه عهده‌دار خدماتی شدند. میرسیداحمد نیز هنگامی که در نوجوانی به تهران آمد، چنانکه گفته شد، نخست با برادرش سیدمحمود، به تحصیل در دارالفنون مشغول شد و برای آمادگی به تحصیل پزشکی به آموختن زبان فرانسه پرداخت، و در این راه طی دو سال پیشرفت کامل داشت. لیکن مشکلات زندگی او را ادامه این راه باآزادشت و به خدمت دیوانی و مستوفی‌گری موروث که شغل اصلی پدرش و جدش (میرزاحیب‌الله مستوفی تفرشی) بود، درآمد. وی در آغاز ورود به خدمات حکومتی با علیقتی‌میرزا، پسرارشد محمدتقی میرزاکن‌الدوله، برادر ناصرالدین‌شاه، دوستی داشت و با ابوالحسن جلوه به مدرسه دارالشفا می‌رفتند.

میرسیداحمد در دوران سلطنت مظفالدین‌شاه مورد توجه شاه قرار گرفت و چندی به معاونت حکومتی خُسمه (زنجان و نواحی مربوط به آن) (قمری) درگذشت، مظفالدین‌شاه، پسر او، علیقتی‌میرزا را با عنوان «رکن‌الدوله» به جای پدرش به حکومت خراسان منصوب کرد. علیقتی‌میرزا، سیداحمد را که با خط و حروف «مورس» آشنا بود، برای مدیریت دبیرخانه و تلگراف‌خانه حکومتی با خود به خراسان برد. میرسیداحمد چند سالی (تا ۱۳۲۴ق) که به این کار مشغول بود و با رفتن علیقتی‌میرزا به کرمان، به تهران بازگشت و چندی در دارالحکومه گیلان خدمت کرد، و پس از تشکیل

سازمان‌های دولتی جدید به عضویت وزارت مالیه درآمد، و پیشکاری مالیه ثلاث (ملایر، نهاوند و نویسران) را به عهده گرفت. در سال ۱۲۹۵ (شمسی) به تهران آمد و از خدمات دولتی بازنشسته شد، چندی بعد برای رسیدگی به اوضاع آب و ملک موروثی مختصری که در فرهان و زادگاهش تفرش داشت به اراک (سلطان‌آباد) نقل مکان کرد و در یکی از روستاهای فرهان خانه‌ای ساخت و در آنجا ساکن شد و در کشاورزی و بهبود زندگی روستایان پرداخت. به اصلاحات ارضی، اشتغال اصلی او کشاورزی و زمین‌داری بود، و بعد از آن چندگاهی در اراک و در اواخر عمر در تهران زندگی می‌کرد، و در زمستان سال ۱۳۴۷خ درگذشت و در فضای کنار آرامگاه ابن بابویه به خاک سپرده شد. چنانکه پیش از این گفته شد، میرسیداحمد با حروف و علامات خط مورس آشنایی کامل داشت و دیوان و دفتر حکومت خراسان در دوران



راج ترکیبیتی و پیشینه تاریخ‌نگاری در هند؛ دساتیر؛ دبستان مذاهب؛ ممدوحان دقیقی و نگاهی دیگر به تاریخ وفات او؛ نگاهی دیگر به تاریخ وفات ناصرخسرو؛ ضیاءالدین نخشیبی؛ روضه‌العقول؛ مرزبان‌نامه؛ طینت و تربیت از دیدگاه سعدی و کنفسیوس؛ نامه‌نگاری در ایران اسلامی؛ عشق‌بازی خالق با خود).

یادبعضی نثرات

بخش دوم از چندین یادداشت کوتاه و بلند تشکیل شده است. یادداشت‌های پراکنده او علاوه بر آنکه نشان‌دهنده تنوع حوزه‌های مطالعاتی ایشان است، تصویری از فضای فکری، اجتماعی و سیاسی روزگار جوانی و میانسالی استاد به دست می‌دهد و خواننده را با شماری از مصاحبان و معاشران ایشان که گاه از شخصیت‌های تأثیرگذار در این جریان‌های فکری بوده‌اند، آشنا می‌سازد (شامل چند دیدار با شاملو؛ آدم‌های بلندپرواز؛ دکتر میترا که بود؟؛ پایه‌گذار نشر صبح و دقیق در ایران؛ خاطراتی از خانلری شاعر، ناشر مجله سخن؛ گفتاری درباره تغییر «پرش»؛ و «پرسان» به «فارسی»؛ پیاپی به فرزندنام: بی‌خبری، غرض‌ورزی یا خیانت؟؛ تماشاگر بیرونی تصوف؛ سیاست‌گراری از جناب استاد سمیعی؛ ادراک و بیان شاعرانه؛ دوستی من با استاد موسی اسوار؛ یک حرف و دو حرف بر زبانم؛ روح‌القوانین؛ ترجیع‌بند هفت؛ دوستان؛ دشمنان خانلری). بخش سوم دربرگیرنده چند سخنرانی در محافل علمی و فرهنگی مختلف است (شامل ایران و هند، پیوندی هزاران ساله؛ عناصر مدارا در آیین‌های هندی؛ مجمع البحرین؛ شرح تاریخی گفت‌وگوی هندوان و مسلمانان؛ اصل و تبار اندیشه تاگور؛ تاگور و عرفان بهکنی نو؛ دید شرقی و ایرانی به هند؛ آغاز آشنایی من با دکتر موحّد؛ واقعه‌آسطوره بود... بخش جایشان را که خواهد گرفت؟). بخش چهارم از چند مصاحبه قدیم و جدید تشکیل شده که طی چهار دهه گذشته با استاد ترتیب داده شده است (شامل در جست‌وجوی آقایی دیگر؛ زیبایی و فلسفه هنر از دیدگاه ارسطو؛ دادوستد فرهنگ‌ها و تمدن‌ها؛ سوبیه‌های تاریخ‌نگاری دینی؛ ادیان هند؛ اسلام، وحدت و گفت‌ووی ادیان؛ داستان‌های هندی و بودایی در ادب فارسی؛ نادر نادریور به روایت فتح‌الله مجتباتی؛ غالب ترجمه‌های امروز تجاوز به حقوق نویسنده است؛ در هیچ سری تاریخی از پلورالیزم انتقاطی؛ پنجه نتنره؛



گفتارهایی در تاریخ و فرهنگ (دومین دفتر)

- نویسنده: **سیدفتح‌الله مجتباتی**
- به کوشش: **میترا حسنی**
- انتشارات: **مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی**
- تعداد صفحات: **۶۹۸ صفحه**
- قیمت: **۹۶۰۰۰۰ تومان**

ثنویت ایرانی، بیست‌وهفت قرن تأثیر تعقل ایرانی بر فلسفه‌های غرب). بخش پنجم نیز مشتمل بر چهار مقاله و یک یادداشت به زبان انگلیسی است که ترجمه تعدادی از آنها در بخش نخست آمده است.

در میان این آثار، به نظر نگارنده، شاید ویژه‌ترین مطالب که نظر خواننده عمومی را جلب و جذب می‌کند، تحریرات و تقریرات روایت‌گونه اوست درباره آدم‌های روزگار ما؛ از احمد شاملو و پرویز ناتل خانلری و عبدالحسین زرین‌کوب و سهرس پرهام تا احمد سمیعی گیلانی و نادر نادریور و عبدالحجیم جعفری و محمدعلی موحّد. با در کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌دوجلدی «گفتارهایی در تاریخ و فرهنگ» در ۱۰۹۰ صفحه، حالا می‌توانیم نوری بیفکنیم به تأملات و تفکرات سید فتح‌الله مجتباتی در طول هفت دهه نقش‌آفرینی در سپهر فرهنگ ایران که به قول فراهم‌آورنده این اثر: «به گمانم از جمله «آثارالباقیه» زمانه ما، و یادآور روزگاری است که دانشوران «محیط فضل و آداب» بودند و به دانش اهل دانش اقبالی بیش از امروز بود، روزگاری که به تعبیرابوریحان بیرونی در آن «علمی نو» پدید می‌آمد و «نهالی تازه» می‌روید». زهی سعادت و آفرین بر این پخت و اقبال که توفیق رفیق‌مان شده تا نودوهشت سالگی این اندیشمند بی‌جایگزین را جشن بگیریم که بی‌تردید از نادره‌کاران روزگار ماست.



سیدفتح‌الله مجتباتی

دانشی‌مردی است از نسل

غول‌های فرهنگ ایران.

از تیره و تبار برجسته‌ترین معارف‌این

سرزمین که حالا شاید

از میان‌شان جز معدودی

باقی نمانده باشد. زیست

پربزرگ‌ویار

مجتباتی

سرشار و

سراسراز تحقیق و

تدقیق و آکنده‌از

مبین‌دوستی و ایران‌مداری

است

گنجِ شاهوار

در وصفِ این نمونه عَزّو تمکین و وقار

محمدعلی موحّد

عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت .

آفرین می‌خوانیم بهر هوشیاری مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و حبّه‌ای می‌زیم بر همت کاظم موسوی بجنوردی که این فرصت را برای

ما فراهم آورده است.

امثال مجتباتی نعمت‌های خدایی هستند و بر هر نعمتی شکری واجب.

پس می‌ستاییم و ستاییم می‌داریم

و شکر می‌گزاریم موهبت دوستی با

مجتباتی را - این نمونه عزّو تمکین و

زندگی او را، و دعا می‌کنیم برای سعادت

و دوام عمرم با برکت او.

واجب آید چون که آمد نام او

شرح کردن رمزی انعام او

گمان می‌کنم ما که در این مجلس

گردآمده‌ایم این تجربه را داشته‌ایم که

در گشت کوه و صحرا تالگو آیی را دیده

و به سوی آن کشانده شده باشیم.

نزدیک‌تر می‌روی، چشمه‌ای می‌بینی

که از دل سنگ بیرون می‌زند. لقای آب

مسحورتر می‌کند. چندان صاف و روشن

و پاک و زلال، ولی کمتر کسی می‌اندیشد

که این جویبار خُرد چه سفر دور و

دراز داشته و چگونه دل این صخره

صفا را شکافته، ذره ذره آن کرانبار درون

سنگ و خاک دامن‌کشان راه جسته و

به اینجا رسیده است. چگونه و به چه

افسون از هزاران صافی گذشته و هزاران

بار سر بر سنگ کوفته و

لوده شده تا چنین

کریمانه و بی‌دریغ،

خوش و خرم سینه

در برابر خورشید برهنه

می‌کند و سر بر پای ما

می‌ساید.

و شگفتا که

چشمه سار این

مسافر غریب تا

جامعیّت در تحقیق

درباره مشاور عالی بخش ادیان و عرفان

مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

نهایت ضبط و اتقان تتبع و تحقیق کرده و به بهترین صورت عرضه داشته است. ایران دوستی دکتر مجتباتی پشتوانه‌ای استوار در عمری تحقیق و مطالعه دارد و حاصل بیش از هفتاد هشتاد سال مقاله‌ها و اسناد و مدارک بسیار به چند زبان است. او کوشیده است در همه عمر فرهنگ ایرانی را به درستی بشناسد و به درستی عرضه کند و خود او بهترین دستاورد درخشان همین فرهنگ است.

پژوهش‌های بدیع او به گستره نفوذ فرهنگ ایرانی و زبان فارسی است، از هند تا شهرزیبای افلاطون و از شاهنامه حکیم نوس تا حافظ و سعدی و مولانا. او لحظه‌لحظه عمر پربرتک و جان‌شيفته خود را صرف شناختن و شناساندن این فرهنگ کرده است و آثار او پنجره‌ای است رو به باغ صفای فرهنگ ایرانی و زبان فارسی از چشم استاد.

گفتم این جام جهان بین به نوکی داد حکیم گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد آقای دکتر مجتباتی! استاد بزرگوار! نیک می‌دانم که دامنه سخن فراخ است و مجال اندک. پس اجازه می‌خواهم که از جانب خود و همکاران محترم و اعضای شورای عالی علمی، این مناسبت فرخنده را شاداب‌ش عرض کنم. امیدوارم که سالیان بسیار در کمال تندرستی باشید و سایه پیرارح شما بر سر ارادتمندان گستره ماند.

"متن سخنرانی در «شب سید فتح‌الله مجتباتی» که قرار است امروز در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شود و پیش از ایراد، اختصاصاً در اختیار روزنامه ایران قرار گرفته است.



فتح‌الله مجتباتی همراه با کاظم موسوی بجنوردی، پرویز رجبی و مهدی رفیع؛ مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، اوایل دهه هفتاد؛ عکس؛ آرشیو مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی